

## بررسی واژگانی ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند از آیات ارث (باتکیه بر سطح معنایی-)

### لغوی الگوی گارسس)<sup>۱</sup>

یوسف هادی پور نهزمی<sup>۲</sup>

سید حسین موهبتی‌زاده<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه نقد و ارزیابی ترجمه‌ها براساس الگوها، معیارها و شاخصه‌های علمی صورت می‌گیرد، یکی از این الگوها که بر پایه اصل برابری متن مبدأ و مقصد استوار است و برای سنجش ترجمه معیارهایی ارائه داده، الگوی گارسس است که ترجمه را در چهار سطح معنایی-لغوی، صرفی-نحوی، گفتمانی-نقشی و سبکی-مقصودشناختی مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. با توجه به اهمیتی که موضوع ارث و تقسیم آن براساس آیات قرآن دارد، لازم است ترجمه دقیق از آن‌ها ارائه شود؛ لذا پژوهش حاضر در نظر دارد به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی ترجمه دو مترجم معاصر، الهی قمشه‌ای و فولادوند از گزیده آیات ارث را بر پایه سطح معنایی-لغوی الگوی گارسس مورد ارزیابی قرار دهد. تا میزان مطابقت ترجمه‌ها با معیارهای این الگو و تفاوت‌های ترجمه از منظر شاخص‌های ارائه شده نمایان گردد؛ بدین منظور ابتدا به صورت اجمالی این الگو و شاخص‌های قابل بررسی در سطح معنایی-لغوی را معرفی کرده، سپس به ذکر آیه مورد نظر و میزان کاربست هر کدام از شاخص‌ها در ترجمه، بارسم نمودار پرداخته‌است که در پایان پس از جمع بندی نقاط مثبت و منفی، مشخص شد ترجمه فولادوند با اختلافی اندک از کیفیت بهتری برخوردار است.

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۵ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۷ به تصویب رسید.

۲. نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران؛

پست الکترونیک: hadi1339@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران؛ پست الکترونیک:

h.mohebatizade@kiaiu.ac.ir

واژه‌های راهنما: ارث، الگوی گارسس، الهی قمشه‌ای، ترجمه، فولادوند

### ۱. مقدمه

از آن‌جا که قرآن به قوم و منطقه‌ای خاص تعلق ندارد و لازم است پیام الهی در هر زمان به درستی به گوش مردم در مناطق مختلف برسد، ضرورت دارد تا متن آن به درستی و به‌صورت دقیق ترجمه گردد؛ به خصوص آیاتی که حاوی احکام و قوانین شرعی همچون نماز، خمس، زکات، ارث و... هستند، حساسیت بیشتری دارند و ترجمه نادرست از آن‌ها می‌تواند منجر به گمراهی یا تزییع حقوق مردم شود؛ لذا مترجم باید در ترجمه‌ی چنین آیاتی که بنا بر قول اکثریت ۵۰۰ آیه هستند، (زرکشی، ۱۳۷۶، ج. ۲، ص. ۱۳۰) دقت بیشتری نماید. در همین راستا، پژوهشگر باید با تحلیل و نقد علمی و منصفانه‌ی ترجمه‌ها به میزان حساسیت مترجمان در ترجمه‌ی این‌گونه آیات و موفقیت آن‌ها در انتقال درست و دقیق مفاهیم و احکام قرآنی به مخاطبان پی برده، نقاط ضعف و قوت هر یک را گوشزد کند و راه را برای مترجمان در ارائه‌ی ترجمه‌ای شایسته از قرآن و مخاطبین هموارتر سازند؛ لذا تصمیم گرفتیم ترجمه آیاتی درباره‌ی ارث را برپایه‌ی اصول علمی مورد تحلیل و نقد قرار دهیم. چون زمانی می‌توان در مورد کیفیت ترجمه سخن گفت که دریک چارچوب علمی پذیرفته شده مورد بررسی قرار گرفته و از معیارهای سنجش سربلند بیرون آمده- باشد. یکی از آن چارچوب‌ها، الگوی گارسس<sup>۱</sup> است که متن مبدأ و ترجمه باید در چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- صرفی، گفتمانی- نقشی و سبکی- مقصودشناختی تا حد امکان برابر باشد. (۱۹۹۴، صص. ۷۹-۸۰) هدف پژوهش ارزیابی ترجمه‌ای وفادار به متن اصلی و ترجمه‌ای آزاد، بر مبنای معیارهای سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس است؛ زیرا مترجم حد واسطه متن مبدأ و مقصد است و سعی می‌کند برای عناصر متنی زبان مبدأ، معادل‌هایی در زبان مقصد پیدا کند و در میان این عناصر آنچه بیشتر از همه مدنظر قرار می‌گیرد، عنصر واژگان است (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۹۴، ص. ۸۰) که در این سطح، ترجمه‌ها از جنبه‌های ابهام، عام و خاص، بسط، قبض، همانند سازی، معادل فرهنگی و تعریف و توضیح مورد ارزیابی قرار گرفته، میزان انطباق آن‌ها با متن اصلی نمایان می‌گردد. و به‌طور کلی این پژوهش در پی پاسخ به سوال زیر است:

بر اساس الگوی گارسس در کدام ترجمه، معیارهای کیفی در سطح واژگان بیشتر رعایت شده و از

کیفیت بهتری برخوردار است؟

## ۲. پیشینه علمی تحقیق

رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) در مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم» (باتکیه برسطح معنایی - لغوی گارسس) به معرفی الگوی گارسس و کاربست آن بر ترجمه یاد شده پرداخته و این گونه نتیجه گیری کرده که سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس قابلیت کاربست بر ترجمه گرمارودی از قرآن کریم را دارد؛ چرا که در فرایند ترجمه، توضیح و تفسیر واژگان و موارد زیادی از همانندی، معادل سازی، قبض و بسط واژگانی و انتقال ابهام به چشم می-خورد. البته با توجه به این که گارسس الگوی خود را جهت ارزیابی ترجمه ارائه داده، بهتر بود ایشان این گونه نتیجه می گرفت که ترجمه گرمارودی قابلیت ارزیابی با معیارهای سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس را دارد.

بابازاده اقدم و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی واژگانی ترجمه های حداد عادل، معزی و انصاریان در آیاتی از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس» بعد از اذعان به قابلیت کاربست این ترجمه ها با الگوی نقد ترجمه گارسس، ترجمه انصاریان را توضیحی تفسیری دانسته و ترجمه حداد عادل را به علت استفاده از واژگان نوین فارسی، دارای کیفیت و مقبولیت می دانند و نتیجه می گیرند که ترجمه انصاریان در همه سطوح، به جز قبض نحوی، بیشترین مطابقت را با این سطح از الگو دارد و ترجمه حداد عادل به میزان متوسط از این کاربست را دارا بوده؛ به طوری که همه سطوح در ترجمه ایشان مشاهده می شود و ترجمه معزی به دلیل تحت اللفظی بودن، به جز قبض نحوی که بالاترین مطابقت را دارا است در موارد دیگر کمترین کاربست را از الگوی گارسس داشته است.

## ۳. روش تحقیق

اهمیت موضوع ارث و لزوم ترجمه درست آیات مربوط به آن، ما را بر آن داشت تا ۳ آیه از سوره نساء که مستقیماً به موضوع ارث و شیوه تقسیم آن اشاره دارد را مورد ارزیابی قرار دهیم. بدین منظور، ترجمه ها، براساس معیارهای ارائه شده در سطح معنایی - لغوی مورد بررسی قرار

گرفته و جدول و نمودار مربوط به آن ترسیم شده است و در پایان با محاسبه امتیازات مثبت و منفی هر ترجمه، میزان کیفیت آن مشخص شده است.

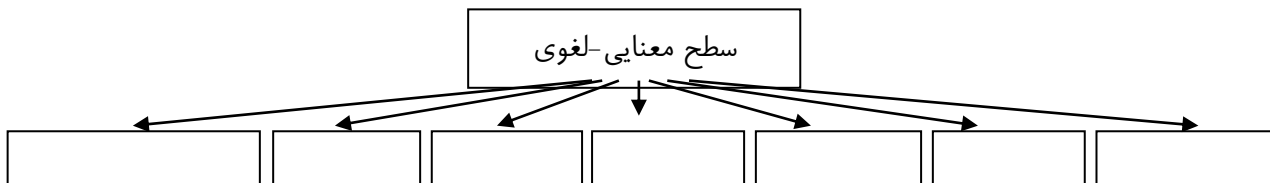
این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری و رایانه‌ای، با استفاده از نرم افزارها و وبسایت‌های مرتبط با موضوع، مانند مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (ابرنور)، بازار کتاب قائمیه، پایگاه مجلات تخصصی نور و ... به روش تحلیلی، توصیفی و تطبیقی جمع آوری شده است.

#### ۴. مبانی نظری تحقیق

گارسس در سال ۱۹۹۴ مدل ترکیبی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرده که مرکب از مدل پیشنهادی وینه و داربلنه (۱۹۵۸)، آراء و عقاید دیگر صاحب نظران در امر ترجمه، مانند: نایدا<sup>۱</sup>، نیومارک<sup>۲</sup>، دلیسل<sup>۳</sup>، وازکه ایورا<sup>۴</sup>، موتن<sup>۵</sup>، نوبرت<sup>۶</sup> و سنتویو یاتوری<sup>۷</sup> است. الگوی گارسس مشتمل بر چهار سطح (معنایی-لغوی<sup>۸</sup>، نحوی-صرفی<sup>۹</sup>، گفتمانی-نقشی<sup>۱۰</sup> و سبکی-مقصود شناختی<sup>۱۱</sup>) بوده که البته خود به این نکته اذعان دارد که سطوح پیشنهادی اش گاهی با هم تداخل دارند. گارسس هدف مدل را این‌طور بیان می‌کند: «هدف این مدل این است که جنبه‌های زبانی و ادبی را به هم ربط دهد و یک اثر ادبی را به

- 
1. Nade
  2. Newmark
  3. Delisel
  4. Vazqeh Evora
  5. Moutin
  6. Neubert
  7. SentoioYaturi
  8. Semantic-Lexical
  9. Syntactical-Morphological
  10. Discursive-Functional
  11. Stylistic-Pragmatic

عنوان عملکردی ارتباطی در نظر بگیرد که از یک سیستم زبانی استفاده می‌کند و در پایان هر دو جنبه را به ترجمه و مشکلاتی که درباره آن وجود دارد، متصل سازد». (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، صص. ۱۲۵-۱۲۶) شاخص‌های ترجمه که گارسس در سطح معنایی-لغوی ارائه نموده در شکل (۱) آمده‌است.



شکل ۱. شاخص‌های ترجمه در سطح معنایی-لغوی

**الف) تعریف یا توضیح<sup>۱</sup>**: تعریف، اشاره‌ای به معنی واژه به صورت اسمی یا شبه جمله صفتی است و توضیح، افزودن اطلاعاتی است که در پی اختلافات فرهنگی بین زبان اصلی و مقصد ضروری می‌گردد. (گارسس، ۱۹۹۴، صص. ۸۰-۸۱)

**ب) معادل فرهنگی<sup>۲</sup>**: پیدا کردن واژه‌ای در زبان مقصد که جایگزین واژه‌ای با بار فرهنگی یا کارکرد مشابه در زبان مبدأ باشد. (گارسس، ۱۹۹۴، صص. ۸۰-۸۱)

**ج) همانندسازی<sup>۳</sup>**: مترجم مضمونی را با کلمه، اصطلاح یا استعاره خاصی که برای خواننده ترجمه آشناست ترجمه می‌کند.

**د) بسط<sup>۴</sup>**: افزودن یک یا چند واژه به ترجمه برحسب ضرورت می‌باشد. (پیتر نیومارک، ۲۰۰۶، ص. ۱۹۳)

**ه) قبض<sup>۵</sup>**: به کار بردن یک واژه زبان مقصد در برابر چند واژه زبان مبدأ می‌باشد. (پیتر نیومارک، ۲۰۰۶، ص. ۱۹۳)

- 
1. the definition and explanation
  2. Cultural Equivalent
  3. Adaptation
  4. Expansion
  5. Reduction

(و) **ابهام واژگانی**<sup>۱</sup>: گارسس معتقد است، اگر ابهام سهوی باشد، باید آن را برطرف کرد و اگر عمدی باشد باید به زبان مقصد منتقل شود. (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶، ص. ۵۱)

(ز) **عام و خاص**<sup>۲</sup>: ترجمه یک واژه کلی به مصداق‌های جزئی آن و یا واژه‌ای جزئی را به طور کلی ترجمه کنیم. مثلاً اگر احسان را به صدقه دادن ترجمه کنیم، خاص در مقابل عام می‌باشد.

در الگوی گارسس (۱۹۹۴) ترجمه‌ها از منظر دو معیار «مقبولیت و کفایت» مورد ارزیابی قرار گرفته و ویژگی‌های منفی و مثبتی نیز در این مدل پیشنهادی به منظور ارائه ترجمه‌ای مناسب هم از لحاظ انطباق مؤلفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد در رساندن پیام مورد نظر، وهم از جهت قابل قبول بودن متن ترجمه در سیستم زبانی مقصد (زبان فارسی) و هم میزان پذیرش از سوی خوانندگان متن مقصد بیان شده‌است (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲، صص. ۴۲-۵۶). برخی ویژگی‌های منفی و مثبت مربوط به سطح معنایی - لغوی که برای ارزیابی و تعیین میزان کیفیت ترجمه‌ها در مدل پیشنهادی گارسس لحاظ شده، در جدول شماره (۱) نشان داده می‌شود.

جدول ۱. ویژگی‌های مثبت و منفی

ویژگی‌های مثبت	ویژگی‌های منفی
معادل فرهنگی	انتقال ابهام
هماندسازی	قبض نحوی یا کاهش
بسط نحوی	عام برابرخاص و برعکس
تعریف یا توضیح	-

- 
1. Lexical Ambiguity
  2. Adaptation

۳۱ بررسی واژگانی ترجمه الهی قمشهای و فولادوند از آیات ارث . . .

۵. سطح معنایی- لغوی الگوی گارسس و میزان کاربست آن در ترجمه الهی قمشهای و

فولادوند

۵-۱- آیه ۷ سوره نساء

(لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا)

۵-۱-۱- تعریف یا توضیح

۵-۱-۱-۱- توضیح داخل پرانتز یا قلاب

الهی قمشهای در ترجمه این آیه توضیح داخل پرانتز نیاورده، ولی فولادوند در ۵ مورد

کلمات، (آنان)، (نیز)، (آنان)، (خواهد بود) و (مال) را داخل قلاب آورده است.

۵-۱-۱-۲- توضیح داخل متنی

الهی قمشهای در ۱۰ مورد کلمات، (است)، (نیز)، (فرزندان)، (مال)،

(که)، (هرکس)، (در)، (کتاب)، (حق)، (است) و فولادوند ۳ مورد: (خواه)، (هرکس) و (است) را به متن

افزوده است.

۵-۱-۲- معادل فرهنگی

«نصب الشیء» أقامه و رفعه «النصیب» الحظ من کل شیء (أنیس و همکاران، ۱۴۱۲، ص.

۹۲۴). دو مترجم در مورد واژه «نصیب» به درستی، از معادل «سهم» به معنی بهره هرکس از چیزی

استفاده کرده اند؛ ولی در مورد «رجال، الوالدان، نساء، مما ترک» فولادوند معادل های مناسب

«مردان، پدر و مادر، زنان، آنچه به جا گذاشته اند» و الهی قمشهای بدون توجه به معنای دقیق آنها

از معادل های نامناسب «فرزندان ذکور، ابوین، فرزندان اناث، ترک» استفاده کرده است که بیشتر از

الفاظ عربی استفاده شده و به درستی هم معنی نشده؛ چون «الرجال، جمع رجل: الذکر البالغ من بنی آدم» (أنیس و همکاران، ۱۴۱۲، ص. ۳۳۲) و نساء هم واژه مخالف رجال است.

#### ۵-۱-۳- هماندسازی

موردی نبود.

#### ۵-۱-۴- بسط

#### ۵-۱-۴-۱- مفعول مطلق

«نصیبا مفروضا» را الهی قمشهای به صورت «نصیب هر کس از آن در کتاب حق معین گردیده‌است» و فولادوند «نصیب هر کس مفروض شده‌است» ترجمه کرده‌اند که این بسط واژگانی در هر دو ترجمه آشکار است. البته می‌تواند حال یا منصوب علی الاختصاص نیز باشد (محبی‌الدین الدرویش، ۱۴۱۵، ج. ۲، ص. ۱۶۴)

#### ۵-۱-۴-۲- حذف نکردن فعل به قرینه لفظی

فولادوند فعل «است» را به قرینه حذف کرده، ولی به جای آن «خواهد بود» را در داخل قلاب به ترجمه افزوده‌است و الهی قمشهای «است» را به قرینه حذف کرده‌است.

#### ۵-۱-۵- قبض

#### ۵-۱-۵-۱- حذف فعل و کلمات به قرینه لفظی

الهی قمشهای «پدر و مادر و خویشان است» را به قرینه لفظی حذف کرده‌است؛ ولی فولادوند هیچ حذفی ندارد.

#### ۵-۱-۵-۲- اسمی شدگی

الهی قمشهای عبارت «ما ترک» را که دارای فعل هست به صورت اسم «ترکه» ترجمه



کرده، ولی فولادوند به همان صورت فعل ترجمه کرده است.

### ۵-۱-۶- ابهام واژگانی

واژه «اقریون» اسم تفضیل است که دو مترجم به صورت خویشان و خویشاوندان ترجمه کرده اند که معلوم نیست، آیا منظور افرادی خاص بوده یا خیر.

احتمالاً منظور این است که اگر طبقه نزدیک تر ارث برها موجود باشند، ارث به خویشان

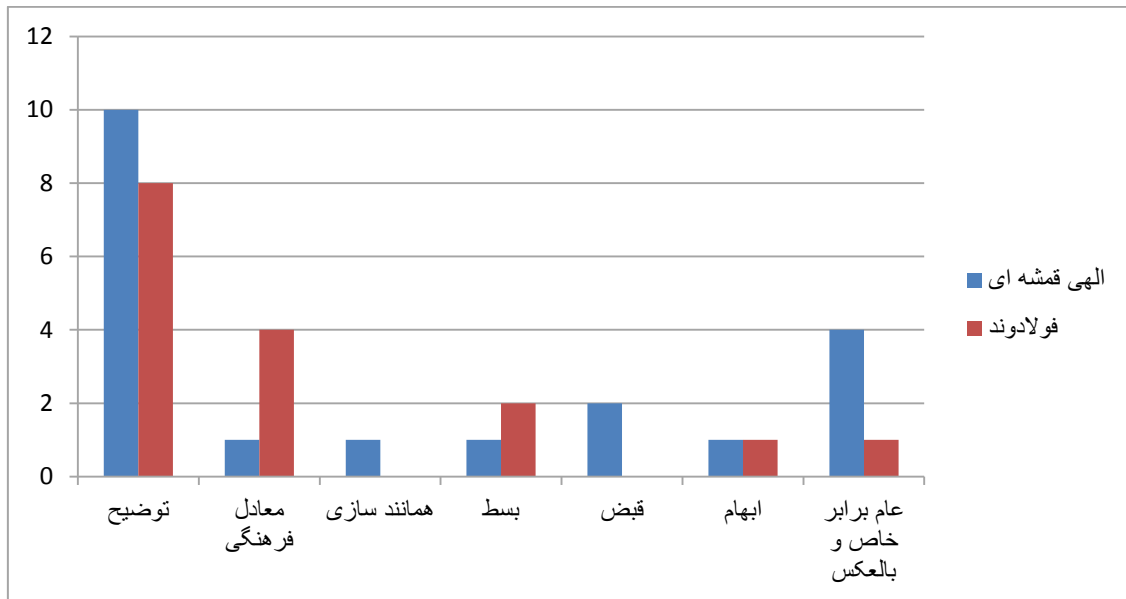
دیگر نمی رسد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج. ۴، ص. ۳۱۳)

### ۵-۱-۷- عام برابر خاص و بالعکس

الهی قمشهای در ترجمه کلمات «الوالدان، الاقریون، الرجال، النساء» دچار استفاده عام در مقابل خاص شده است؛ چون «اب» نسبت به «والد» کلیت دارد و «اقریون» به علت تفضیل بودن، خاص است؛ ولی «خویشان» عام است و فرزندان ذکور و فرزندان اناث نسبت به رجال و نساء کلی هستند؛ ولی فولادوند فقط در مورد «خویشاوندان» از عام در مقابل خاص استفاده کرده است.

### جدول ۳. فراوانی شاخصها در ترجمه های آیه هفتم سوره نساء

عام برابر خاص و برعکس	ابهام	قبض		بسط		همانند سازی	معادل فرهنگی	توضیح		شاخص مترجم
		اسمی شدگی	حذف به قرینه	عدم حذف به قرینه	مفعول مطلق			داخل متن	داخل پراکنش	
۴	۱	۱	۱	۰	۱	۲	۱	۱۰	۰	الهی قمشه ای
۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۴	۳	۵	فولادوند



نمودار ۱. میزان کاربرد شاخص‌ها در ترجمه‌های آیه هفتم سوره نساء

#### ۵-۲-آیه ۱۱ سوره نساء

(يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ آبَاؤُهُ فَلِلَّذَلَّتِ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمَّه السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنِ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا)

#### ۵-۲-۱- تعریف یا توضیح

#### ۵-۲-۱-۱- توضیح داخل پرانتز یا قلاب

فولادوند در ۱۱ مورد از توضیحات داخل قلاب استفاده کرده‌است: «همه ورنه‌اش، دختری

که ارث می‌برد، متوفی، مقرر شده، متوفی، تنها، و بقیه‌اش را پدر می‌برد، البته همه این‌ها، که باید

استثناء شود، این»

#### ۵-۲-۱-۲- توضیح داخل متنی

الهی قمشهای در ۲۵ مورد از توضیحات داخل متنی استفاده کرده است «حکم خداوند، درحق، اینست، همه، فرض همه، دختر، ازپدرومادر، یک، میت، منحصر، یک، می برد، و باقی به پدر می‌رسد، میت، در این فرض، حق، که به مال میت تعلق گرفته، شما این را که، و به ارث بردن، تا در حکم مراعات کنید، این احکام، که خدا باید معین فرماید، زیرا، به هرچیز، به همه مصالح خلق». فولادوند ۴ مورد توضیحات داخل متنی استفاده کرده است: «سهم، سهم، این، انجام».

#### ۵-۲-۲- معادل فرهنگی

الهی قمشهای درمورد کلمات «یوصی، ثلث، سدس، فرض، ترکه، ابناء، حکیم، ذکر، انثی» معادل‌های مناسبی در زبان مقصد نیاورده است؛ چون بیشتر همان الفاظ عربی را به کار برده و «ابناء» را پسران و خویشان ترجمه کرده که واژه «خویشان» اضافه است. فولادوند نیز برای «ذکر، انثی، حکیم» معادل مناسب نیاورده است. بهتر بود مقابل «ذکر» از واژه «مرد» و برای «انثی» از واژه «زن» و برای «حکیم» از «کاردان» استفاده می‌کردند. «حکیم» هو الذی یُحکِمُ الاشیاء و یُنقِنها، فهو فعیل بمعنی مُفَعِل، و قیل: الحکیم ذو الحکمة، و الحکمة عبارة عن معرفة أفضل الاشیاء بافضل العلوم و الحکیم العالم و صاحب الحکمة (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج. ۳، ص. ۲۷۰).

#### ۵-۲-۳- همانند سازی

الهی قمشهای برای عبارت «لذکر مثل حظ الانثیین» برخلاف فولادوند که تحت اللفظی ترجمه کرده، با تعبیری ملموس‌تر برای مخاطب به صورت «پسردو برابر دختر ارث می برد» ترجمه کرده است.

۵-۲-۴- بسط

۵-۲-۴-۱- مفعول مطلق

«فريضة من الله» را الهی قمشه‌ای «این احکام فريضة‌ای است که خدا معین فرموده» و فولادوند «این فرضی است از جانب خدا» ترجمه کرده‌است که به خاطر مفعول مطلق دچار بسط واژگان شده‌اند. البته حال نیز می‌توان گرفت (محيی الدين الدرؤيش، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۷۲)

۵-۲-۴-۲- ترجمه فعل و جواب شرط

الهی قمشه‌ای در جملات شرطی در قسمت جواب شرط با آوردن «دراین صورت» و نیز با تبدیل جواب شرط جمله اسمیه به فعلیه دچار بسط معنایی شده‌است؛ «واگر فرزند نباشد و وارث منحصر به پدر و مادر بود، دراین صورت مادر یک ثلث می‌برد».

فولادوند نیز در ترجمه «ان كان له ولد» دچار بسط شده و گفته «این در صورتی است که متوفی فرزندی داشته‌باشد».

۵-۲-۴-۳- تمیز

الهی قمشه‌ای عبارت «ايهم اقرب لكم نفعاً» را «کدام یک به خیر و صلاح و به ارث بردن به شما نزدیک‌ترند» و فولادوند «کدام یک برای شما سودمندترند» ترجمه کرده‌است که هر دو دچار بسط شده‌اند.

۵-۲-۴-۴- جمع مقابل مفرد

الهی قمشه‌ای در مقابل «ذکر» که یک واژه مفرد است از معادل «پسران» که جمع است استفاده کرده‌است و دچار بسط در واژه شده‌است.

#### ۵-۲-۴-۵- عدم توجه به متن مبدأ

الهی قمشهای بدون توجه به متن اصلی، عبارت «اباوکم و ابناوکم لاتدرون» را این گونه ترجمه کرده است: «پدران یا فرزندان یا خویشان...» که خویشان معادلی در متن مبدأ ندارد.

#### ۵-۲-۵- قبض

#### ۵-۲-۵-۱- اسمی شدگی

الهی قمشهای در ترجمه فعل «ماترک» به اسم «ترکه» دچار قبض واژگانی شده است.

#### ۵-۲-۵-۲- حذف به قرینه

در ترجمه الهی قمشهای حذف به قرینه اتفاق افتاده «و اگر یک نفر باشد نصف است»؛ یعنی نصف ترکه است و «در این صورت سدس خواهد بود»؛ یعنی سدس ترکه خواهد بود.

#### ۵-۲-۵-۳- ترجمه جمع به مفرد

الهی قمشهای واژه «اخوه» که جمع است را «برادر» ترجمه کرده و فولادوند «نساء» را «دختر» ترجمه کرده که با این کار دچار قبض واژگانی شده اند.

#### ۵-۲-۶- ابهام واژگانی

هر دو مترجم در ترجمه «ان کان له ولد» برای جلوگیری از ابهام ضمیر «ه» به جای آن اسم ظاهر «میت و متوفی» را آورده اند. و نیز هر دو بعد از ترجمه «فلامه الثلث» برای مشخص کردن بقیه ترکه، الهی قمشهای از توضیح «و باقی به پدر می رسد» و فولادوند از «و بقیه را پدر می برد» استفاده کرده اند تا رفع ابهام شود.

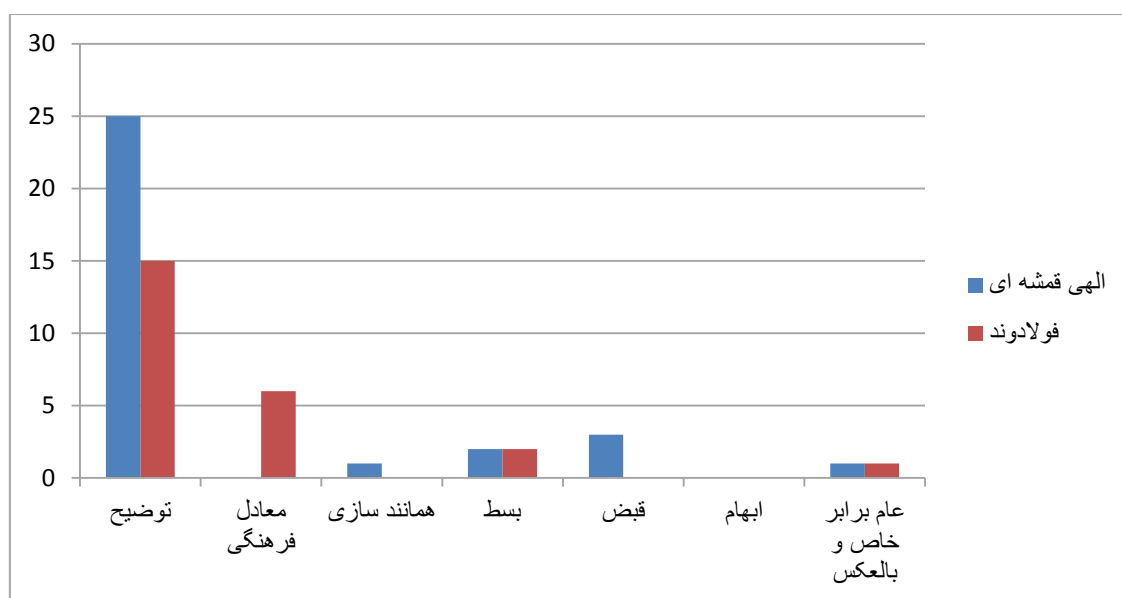
### ۵-۲-۷- عام برابر خاص و برعکس

الهی قمشه‌ای «نساء» را که یک لفظ کلی است به معنی «دختران» که محدوده سنی خاصی را شامل می‌شود آورده و فولادوند نیز برای آن از لفظ «دختر» استفاده کرده؛ لذا هر دو خاص را در مقابل عام به کار برده‌اند.

جدول ۴. فراوانی شاخص‌ها در ترجمه‌های آیه یازده سوره نساء

عام برابر خاص و بالعکس	ابهام	قبض		بسط		همانند سازی	معادل فرهنگی	توضیح		شاخص مترجم
		اسم شدگی	حذف به قرینه	ترجمه فعل و جواب شرط	مفعول مطلق			داخل متن	داخل پراتنز	
۱	۰	۱	۲	۱	۱	۱	۰	۲۵	۰	الهی قمشه ای
۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۶	۴	۱۱	فولادوند

نمودار ۲. میزان کاربرد شاخص‌ها در ترجمه‌های آیه یازده سوره نساء



۵-۳- آیه ۱۲ سوره نساء

(وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ تُوَصُّونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوَصِّي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ).

۵-۳-۱- تعریف یا توضیح

۵-۳-۱-۱- توضیح داخل پرانتز یا قلاب

فولادوند ۱۱ مورد توضیحات داخل قلاب استفاده کرده است «شوهران، البته، که باید استثناء شود، البته، که باید استثناء شود، بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر، ماترک، ماترک، البته، باید استثناء شود به شرط آن که از این طریق، به ورثه».

۵-۳-۱-۲- توضیح داخل متنی

الهی قمشهای ۲۷ مورد توضیح داخل متنی «سهم ارث، مردان، است، خارج کردن حق، به دارایی آن‌ها، تعلق گرفته است، سهم ارث آنان، مردان، خواهد بود، اداء حق، بمیرد، برادر و خواهر امی یا هر خواهر و برادری، بمیرد، و ارثش، در این فرض، سهم ارث، خواهد بود، همه، ترکه، ارث برند، خارج کردن، حق، میت، در صورتی که وصیت به حال ورثه بسیار، این حکمی است، به همه احوال بندگان، به هر چه ناروا کنند هم» و فولادوند ۳ مورد توضیح داخل متنی دارد «انجام، این، است».

### ۵-۳-۲- معادل فرهنگی

الهی قمشه‌ای برای واژگان «ازواجکم، ثلث، ربع، سدس، ثمن، کلالة»، معادل‌های مناسبی نیاورده؛ چون ازواج را «آنان» و بقیه را به همان لفظ عربی به کار برده است. فولادوند نیز برای «کلالة» معادل نیاورده، ولی برای واژگان «ماترک» و «ازواج» معادل مناسب میراث و همسران آورده‌است. کلمه «کلالة» در اصل، مصدر و به معنای احاطه است. «کلالة» نام ماسوای فرزند و پدر و مادر از سایر ورثه است (راغب، ۱۳۷۶ ش: ص. ۴۵۵).

### ۵-۳-۳- همانندسازی

موردی دیده نشد.

### ۵-۳-۴- بسط

### ۵-۳-۴-۱- فعل شرط و جواب شرط

الهی قمشه‌ای عبارت «ان لم یکن لهن ولد» را «در صورتی که آن‌ها را فرزندی نباشد» و فولادوند «اگر آنان فرزندی نداشته‌باشند» ترجمه کرده‌اند که دچار بسط واژگانی شده‌اند.

### ۵-۳-۴-۲- مفعول مطلق

الهی قمشه‌ای «وصیة من الله» را «این حکمی است که خدا سفارش نموده» و فولادوند «این است سفارش خدا» ترجمه کرده که در هر دو به خاطر ساختار مفعول مطلق بسط صورت گرفته‌است.

### ۵-۳-۴-۳- فعل شدگی

الهی قمشه‌ای «هم شرکاء فی الثلث» را «همه آن‌ها ثلث ترکه را به اشتراک ارث برند» و «غیرمضار» را «زیان‌آور نباشد» و فولادوند «در یک سوم ماترک مشارکت دارند» و «زیانی به



ورثه نرساند» ترجمه کرده‌اند که باعث بسط شده‌است.

### ۵-۳-۵- قبض

#### ۵-۳-۵-۱- حذف به قرینه

در ترجمه الهی قمشهای در این موارد حذف به قرینه صورت گرفته‌است: «و اگر فرزند باشد، (سهم ارث شما مردان از ترکه) ربع خواهد بود»، «چنانچه فرزند داشته‌باشید (سهم ارث آنان) ثمن (ترکه) خواهد بود»، «پس از اداء حق وصیت و دین شما (که به دارایی شما تعلق گرفته)»، «سهم ارث هر یک نفر از آنها سدس (ترکه) خواهد بود»، «و اگر (وارثش) بیش از یک نفر باشند»، «زاید بر ثلث (ترکه)»، «تعلق گرفته (است)»، «خدا سفارش فرموده (است)»، «خدا به همه احوال بندگان دانا (است)».

و فولادوند در ۲ مورد حذف کرده‌است: «و اگر (آنان) فرزندی داشته باشند»، «بعد از انجام وصیتی که بدان سفارش شده (است)».

#### ۵-۳-۵-۲- عدم ترجمه صفت جمله

الهی قمشهای در عبارات «من بعد وصیة یوصین بها» و «من بعد وصیة توصون بها» و «من بعد وصیة یوصی بها» جمله بعد از اسم نکره «وصیة» را ترجمه نکرده‌است؛ البته در جمله اول بدون توجه به جمله مبدأ، بعد از اسم نکره «که به دارایی آنها تعلق گرفته» را آورده که ترجمه صفت نیست.

#### ۵-۳-۵-۳- اسمی شدگی

الهی قمشهای «ماترک» را «ترکه» و فولادوند «ماترک» و «مما ترکن» و «مما ترکتم» را

به صورت «میراث یا ماترک» ترجمه کرده‌اند.

### ۵-۳-۶- ابهام

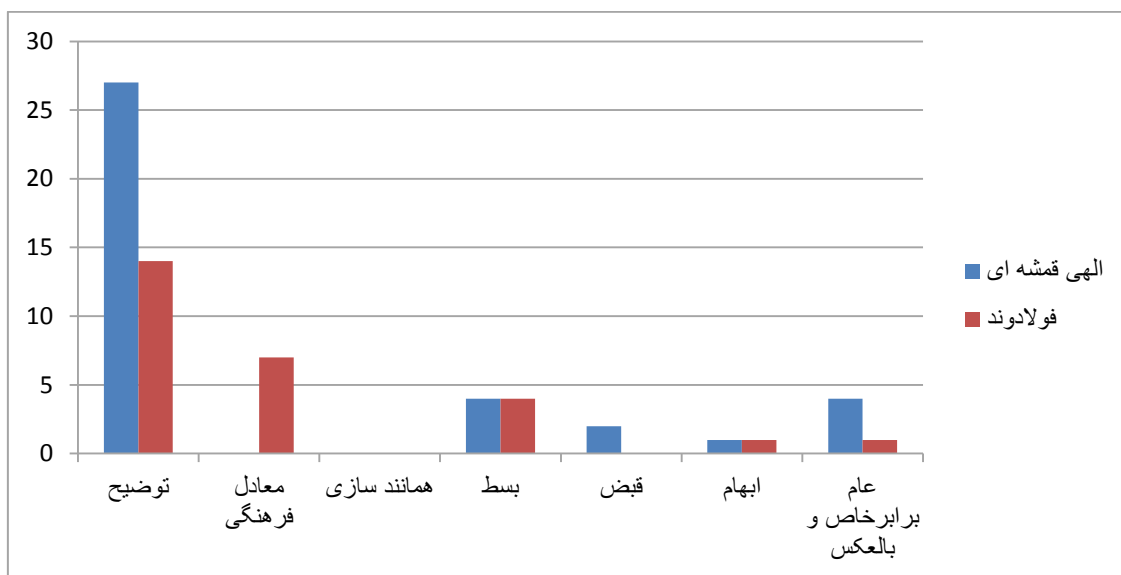
واژه «کلالة» را الهی قمشه‌ای با این توضیح، «برادر و خواهر امی یا هر خواهر و برادری» و فولادوند «بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر» آورده‌اند که دو معنی متفاوت ارائه کرده‌اند، و شاید این توضیح به خاطر برطرف کردن ابهام واژه بوده‌است.

### ۵-۳-۷- عام برابر خاص و برعکس

مورد دیده نشد.

جدول ۵. فراوانی شاخص‌ها در ترجمه‌های آیه ۱۲ سوره نساء

عام برابر خاص و برعکس	ابهام	قبض		بسط			همانند سازی	معادل فرهنگی	توضیح		شاخص مترجم
		اسم شدگی	حذف به قرینه	فعل وجواب شرط	فعل شدگی	مفعول مطلق			داخل متن	داخل پراز تز	
۴	۱	۱	۱	۱	۲	۱	۰	۰	۲۷	۰	الهی قمشه‌ای
۱	۱	۰	۰	۱	۲	۱	۰	۷	۳	۱۱	فولادوند



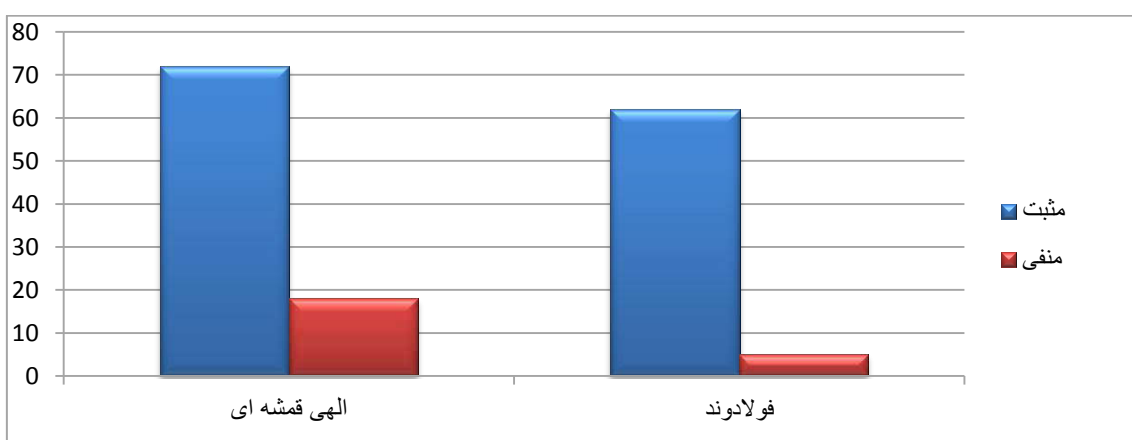
نمودار ۳. میزان کاربرد شاخص‌ها در ترجمه‌های آیه دوازده سوره نساء

جدول ۸. میزان کفایت و مقبولیت ترجمه‌های قمشهای و فولادوند

مترجم	شاخص‌های مثبت				شاخص‌های منفی			
	تعریف یا توضیح	معادل فرهنگی	همانند سازی	بسط واژگانی	قبض واژگانی	ابهام واژگانی	عام برابر خاص و برعکس	جمع
الهی قمشهای	۶۲	۱	۲	۷	۷۲	۷	۹	۱۸
فولادوند	۳۷	۱۷	۰	۸	۶۲	۰	۳	۵

در این جدول که براساس شاخص‌های مثبت و منفی الگوی گارسس، امتیازات هر مترجم به تفکیک آورده شده، نشان می‌دهد که امتیازات مثبت و منفی ترجمه‌های قمشهای بیشتر بوده، ولی تقریباً هر دو ترجمه از کیفیت و مقبولیت یکسانی برخوردار است؛ چون اگر چه در ظاهر امتیاز

مثبت ترجمه الهی قمشه‌ای بیشتر است، ولی از طرف دیگر امتیاز منفی ترجمه ایشان نیز بیشتر می‌باشد که اگر امتیاز منفی را از امتیاز مثبت ایشان کم کنیم (۷۲-۱۸=۵۴) برای ایشان امتیاز ۵۴ به دست می‌آید. حال اگر امتیاز منفی ترجمه فولادوند را نیز از امتیاز مثبت ترجمه ایشان کم کنیم (۶۲-۵=۵۷) امتیاز ایشان ۵۷ می‌شود. بنابراین، هر دو ترجمه در کل از کیفیت و مقبولیت یکسانی برخوردار هستند.



نمودار ۶. میزان کفایت و مقبولیت ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند

## ۶. نتیجه

پس از بررسی ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند، مشخص شد که این ترجمه‌ها با مؤلفه‌های ارائه شده در سطح معنایی - لغوی الگوی گارسس قابل ارزیابی هستند؛ چون مترجم در جریان ترجمه از توضیح و تفسیر، معادل فرهنگی، همانندسازی، بسط و قبض واژگانی، رفع یا انتقال ابهام و عام مقابل خاص و بالعکس بهره جسته است که بعد از ارزیابی با آن معیارها و ظاهر شدن نقاط قوت و ضعف، مشخص شد ترجمه الهی قمشه‌ای یک ترجمه توضیحی است که سعی کرده نکات تفسیری یا کلماتی جهت روان شدن ترجمه را بدون استفاده از قلاب به متن بیفزاید و ترجمه‌ای

۴۵ بررسی واژگانی ترجمه الهی قمشهای و فولادوند از آیات ارث . . .

اگرچه غیردقیق، ولی روان ارائه دهد و با توجه به این که توضیح و تعریف در این الگو یک شاخص مثبت به حساب می‌آید، نسبت به ترجمه فولادوند که تقریباً تحت اللفظی است و از توضیحات کمتری بهره‌جسته، امتیاز بیشتری را در این مورد به خود اختصاص داده‌است.

در شاخص معادل فرهنگی، فولادوند با استفاده از معادل‌های بهتر در زبان فارسی، چنان که در نمودار نیز مشخص شده، نسبت به الهی قمشهای جایگاه بهتری دارد؛ ولی در همانند سازی، الهی قمشهای برخلاف فولادوند که خیلی مقید به متن مبدأ نبوده، تعبیرات مناسب‌تری بکار برده و جایگاه بهتری دارد. در شاخص بسط واژگانی در ترجمه مفعول مطلق، جملات شرطی و تمیز و... تقریباً هر دو به یک نسبت از بسط واژگانی بهره‌جسته‌اند؛ ولی در شاخص قبض واژگانی الهی قمشهای از حذف به قرینه و اسمی شدگی و... بیشتر بهره‌جسته و امتیاز منفی بالاتری به خود اختصاص داده‌است. و در مورد ابهام، هر دو مترجم ابهام کلمات را نه با توضیح و نه با انتخاب واژه مناسب در زبان مقصد برطرف نکرده‌اند و نهایتاً در شاخص عام برابر خاص و بالعکس، الهی قمشهای در نه مورد و فولادوند در سه مورد رعایت ساختار زبان مبدأ را نکرده‌اند، که الهی قمشه- ای امتیاز منفی بیشتری را به خود اختصاص داده‌است.

در نهایت مطابق با شاخص‌های مثبت و منفی این سطح از الگوی گارسس، قرائن نشان داد که ویژگی‌های مثبت هر دو ترجمه نسبت به ویژگی‌های منفی بیشتر بوده؛ ولی ترجمه الهی قمشهای هم در ویژگی‌های مثبت و هم منفی نسبت به ترجمه فولادوند جلوتر است و بعد از کسر امتیازات منفی هر مترجم، ترجمه فولادوند با اختلافی اندک در مرتبه اول و ترجمه الهی قمشهای در مرتبه دوم قرار گرفت.

### قرآن کریم

ابن منظور (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، تحقیق سیری، علی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.  
الهی قمشهای، مهدی (۱۳۷۵ش)، *ترجمه قرآن کریم*، تهران، انتشارات نقش و نگار.  
انیس، ابراهیم و همکاران (۱۴۱۲ق)، *معجم الوسیط*، بی. مک.، مکتب نشر الثقافة الاسلامیة  
درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق)، *اعراب القرآن و بیانہ*، دمشق، دار ابن کثیر،  
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۶ش)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، بتحقیق مرعشلی، ندیم، تهران،  
انتشارات مرتضوی.

رحیمی خویگانی، محمد (۱۳۹۶ش)، *نقد واژگانی*، ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (باتکیه برسطح  
معنایی-لغوی گارسس)، *دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۴،  
شماره ۷، صص. ۶۹-۹۴.

رشیدی، ناصر؛ فرزانه، شهین (۱۳۹۲ش)، *ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت*  
*اثر میگوئل دو سروانتس براساس الگوی گارسس*، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی  
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه سندج، سال پنجم، شماره ۱۵.

زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله (۱۳۷۶ش)، *البرهان فی علوم القرآن*، به تحقیق محمد ابوالفضل  
ابراهیم، بیروت، داراحیاء الکتب العربیة.

سیاح، احمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ بزرگ جامع نوین*، تهران، انتشارات اسلام.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، با ترجمه موسوی، محمد باقر، قم، جامعه  
مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.

فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۸)، *ترجمه قرآن کریم*، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر اصول و روش ترجمه*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

مختاری اردکانی، محمدعلی (۱۳۷۶ش)، *چهارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه*، *مجله مترجم*، شماره ۲۵،  
صص. ۵۰-۵۸.

نیازی، شهریار؛ قاسمی اصل، زینب (۱۳۹۷ش)، *الگوی ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)*، چ ۲، تهران،  
انتشارات دانشگاه تهران.

نیومارک، پیتر (۲۰۰۶م)، *الجامع فی الترجمة/عدد: أ. د. حسن غزالی*. بیروت: دار و مکتبة الهلال.

Garces, C. V. (1994) "A methodological proposal for the assessment of translated literary works." *Babel*, 40, 77-101.

# Lexical Analysis of the Translations of Elahi Ghomshei and Fooladvand from Inheritance Verses (Based on Garces's Lexical-Semantic Model)<sup>1</sup>

Yusof Hadipour Nahzomi<sup>2</sup> & Sayyed Hossein Mohebatizadeh<sup>3</sup>

## *Abstract*

Nowadays, translations are analyzed on the basis of scientific paradigms, criteria and models. Garces's model is a model based on the principle of equality between the source and target texts and gives criteria for evaluating translations. This model analyzes translations in four lexical-semantic, morpho-syntactic, discourse-functional and stylistic-cognitive levels. Given the importance of inheritance and its division according to the verses of Qur'an, it is necessary to provide accurate translation of the verses. Therefore, the present study intends to evaluate in an analytical-descriptive method the translations of Elahi Ghomshei and Fooladvand, two contemporary translators, of the verses of inheritance according to lexical-semantic level of the Garces model to show the extent of conformity or inconformity of translations with the criteria of this model. So, first, this model and its level of lexical-semantic are briefly introduced. Then, the verse and the extent of application of each criterion in translation plus diagrams are given. In conclusion, after analyzing negative and positive points reveals that Fooladvand translation which is slightly different has a better quality.

**Keywords:** Elahi Ghomshei, Fooladvand, Garces model, translation, inheritance

---

1. This paper was received on 07.10.2021 and approved on 17.01.2022.

2. Corresponding Author: Faculty Member, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Karaj Branch, Iran; email: hadi1339@yahoo.com

3. Ph.D. Candidate, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Karaj Branch, Iran; email: h.mohebatizade@kiau.ac.ir